



8 فبروری 2014

داکتر سید عبدالله کاظم

## درسی که باید از گذشته آموخت: درباره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009 (به استناد کتاب: کای آیدی: «مبارزه قدرت در افغانستان») Kai Eide: Power Struggle over Afghanistan

### قسمت هفتم

#### انگیزه مخالفت گالبرایت با کرزی

به نظر بعضی از آگاهان ریشه اصلی مخالفت گالبرایت با حامد کرزی در دومین انتخابات ریاست جمهوری بیشتر در روابط قبلی جو بایدن با کرزی ارتباط میگیرد و آنهم از زمانیکه کرزی در دوره جارج دبلیو بوش چنان نزدیک در حلقه محافظه کاران جدید «نیوکان ها» مشهور به «عقاب ها» قرار داشت که بی گمان تصور میرفت که او یکی از آنها است. اصلاً اینطور نبود، بلکه نیوکان ها میخواستند یکی از معتمدین خود را در افغانستان به قدرت کامل برسانند که او مطیع آنها می بود و در واقع کلید همه اجراء بدست «عقاب ها» قرار میداشت. توظيف زلمی خلیلزاد - یکی از این نیوکان ها به حیث سفیر امریکا در کابل و بعداً نماینده خاص رئیس جمهور بوش به همین مقصد بود که او صاحب کل اختیار و کرزی به نام باشد، چنانچه خلیلزاد به همین دلیل در رسانه های داخلی و خارجی لقب «وایسرا» را حاصل کرد. در آنوقت جو بایدن سناتور پر قدرت حزب دموکرات در سنای امریکا که رئیس کمیته روابط خارجی سنا نیز بود، کرزی را نفر خاص جمهوریخواه ها و آله دست آنها میدانست و چندان از موقف او خشنود نبود.

وقتیکه تیم اوباما و جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری امریکا موفق شدند و قبل از آنکه رسماً به کار شروع کنند، جو بایدن به افغانستان سفر کرد و با کرزی ملاقات نمود تا به او موقف حکومت جدید را در قبال افغانستان توضیح دهد. در این دیدار بایدن خواست به کرزی تفهیم کند که دیگر او کسی نخواهد بود که هر هفته با رئیس جمهور بعدی اوباما به تماس باشد. اطلاعات حاکی از آنست که در این دیدار حرف های جدی و شدید بین آنها تبادل شد، چنانکه بایدن در نیمه صرف غذا اتاق را ترک کرد. گفته میشود که بعداً نقر هالبروک که یکی از نزدیکان بایدن بود، به حیث نماینده خاص رئیس جمهور اوباما در امور افغانستان و پاکستان به توصیه بایدن و برطبق پالیسی اداره جدید صورت گرفت. هالبروک در عین زمان دوست نزدیک «پدی اشداون» - سیاستمدار برتانوی بود که یکبار از طرف سرمنشی ملل متحد به حیث نماینده خاص او در افغانستان پیشنهاد گردید و این پیشنهاد از طرف کرزی رد شد.

پدی اشداون و دوستش هالبروک در امور کشورهای بالقان و آوردن صلح در آنجا نقش بسیار بارز و موفقیت آمیز داشتند، ولی روش هر دو با «شدت عمل» و «تحکم و فشار» توأم بود. وقتی کای آیدی به حیث نماینده سرمنشی در افغانستان مقرر شد، هالبروک خواست سرمنشی را قناعت دهد که پیتر گالبرایت امریکائی را که از دوستانش بود، به حیث معاون کای آیدی در افغانستان توظيف کند تا بدینوسیله او بتواند نفوذ خود را در نمایندگی ملل متحد که در مسائل افغانستان بخصوص انتخابات نقش عمده داشت، تاحدی اعمال کند. اینجاست که با آمدن گالبرایت تیم کاری هالبروک - گالبرایت به حمایت جو بایدن از یکطرف و تیم آیکن بیری - کای آیدی از طرف دیگر در برابرهم قرار گرفتند. هالبروک میخواست به نحوی از موفقیت کرزی به نفع یک کاندید دیگر جلوگیری کند و اما آیکن بیری و کای آیدی فکر میکردند که کسی دیگر غیر از کرزی چانس موفقیت ندارد، لذا باید با کرزی کنار آمد و به شکلی او را راضی نگاهداشت. جنرال آیکن بیری سفیر آنوقت امریکا در کابل قبلاً قوماندان قوای امریکائی در افغانستان بود و جز گروپ نظامی ها یعنی «پنتاگون»، از جمله رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا محسوب می شد که طرفدار

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

پالیسی «افزایش نیرو» بودند. بعضی ها فکر میکنند که هالبروک زیر دستور هیلری کلنتن وزیر خارجه کار میکرد، درحالیکه هالبروک رسماً به قصر سفید منسوب بود و هدایت را از آنجا میگرفت که بازم تماس او را بیشتر با جو بائین معاون رئیس جمهور واضح می سازد. با ذکر این مختصر بر میگردم به فصل مربوط کتاب کای آیدی در زمینه:

## روزشماری برای انتخابات و اولین برخورد با گالبرایت

(فصل بیست و یکم کتاب از صفحه 159 الی 167)

مترجم: انجنیر فرید شیرزی وردک

گالبرایت، دو ماه بعد از تفرش، در ماه جون به کابل آمد. برای اینکه روابط ما خوب شود، من او را در اقامتگاه خود در قصر نمبر 7 جا دادم تا اینکه او محل مناسب برای اقامت خود بیابد. اما بزودی احساس کردم که حالا من از دست اندازی های هالبروک حتی در خانه خود مصئون نیستم. به گالبرایت یک بارگفتم که اگر بین ما مخالفت روی موضوعی برخیزد، او نباید هالبروک را در آن دخیل سازد. او وعده داد که به من و به ملل متحد وفادار خواهد بود، اما دیری نگذشت که واقعیت نمایان گردید. ما با هم روابط حسنه نداشتیم و بالخصوص وقتیکه مشاجره در داخل قصر نمبر 7 صورت میگرفت. من دیگر جای نداشتیم که در آنجا اعصابم را آرام سازم. اما باز هم آمدنش تا اندازه مثبت هم بود. وظیفه اصلی اش این بود تا نقش دفتر کمکهای ملل متحد(یونیم) را در آخرین مراحل انتخابات منظم سازد. گالبرایت به استثنای رئیس جمهور، با همه کاندیدان دیگر ملاقات میکرد، اما کرزی نمیخواست در صورت موجودیت من در کابل، با معاون من دیدارکند. من هم با کاندیدان دیگر نسبت به گالبرایت کمتر می دیدم.

به تاریخ پنجم جولای، کرزی اولین ملاقات خود را در قصر ریاست جمهوری دائر نمود تا آمادگی برای انتخابات را از نظر بگذراند. او از وزرای مهم، کمیسیون مستقل انتخابات، سفیر ایالات متحده و من در این گردهمایی دعوت کرد. کمیسیون مستقل انتخابات یک لست مراکز رأیدهی در ولایات را تنظیم نموده بود که همه در حدود ۷۰۰۰ مرکز بودند. یک مرکز میتواند شامل چندین محل رأیدهی باشد که تابع تعداد نفوس مرکز بود. مسلماً بعضی از این ۷۰۰۰ مرکز که لست آن به اساس انتخابات گذشته تنظیم شده بود، به دلیل فقدان امنیت نا ممکن به نظر میرسید. در عین زمان اینکار در آنده های مشکل بود که از لحاظ امنیت هرگز امکان باز کردن مراکز انتخاباتی میسر نبود و بعضی محلات اصلاً از سکنه خالی شده بود و کسی در آنجا زیست نمیکرد.

اما چیزیکه مرا زیادتیر مشوش ساخت معلوماتی بود که وزرای دفاع و داخله و همچنان رئیس امنیت ملی ارائه نمودند؛ از ۴۰ فیصد این ۷۰۰۰ مرکز اصلاً بازدید صورت نگرفته بود که آیا در این مراکز انتخابات دائر شده میتواند یا خیر. یک پلانگذاری درست امنیتی ایجاب میکرد که حداقل معلومات درست درباره موقعیت این مراکز انتخاباتی قبلاً ترتیب می شد. وقت هم کم مانده بود، زیرا اعمار مراکز انتخاباتی، توظیف کارکنان در این مراکز، و انسجام و توزیع همه مواد انتخاباتی کار ساده نبود و اجرای آن ایجاب وقت را میکرد. ما باید در باره امنیت در همه این مراکز مورد نظر زیاد معلومات میداشتیم تا بتوانیم بهتر پلانگذاری نماییم. رئیس امنیت ملی امرالله صالح اعلام کرد که دو ثلث کشور آرام و نسبتاً با امن شمرده میشود و اما باقی حصص در وضع دیگر قرار داشته و یا تحت نفوذ مخالفان مسلح است. کمیسیون مستقل انتخابات به عجله بود و از سستی کار ها شکایت میکرد. رئیس جمهور هم متحیر به نظر میرسید. او به مسئولین امنیتی وظیفه داد تا با عجله کار کرده و قسمت های باقیمانده از این ۷۰۰۰ مرکز را که توسط کمیسیون مستقل انتخابات تعیین گردیده بود، از نزدیک دیده و بررسی نمایند. ما همه به توافق رسیدیم که هر یکشنبه باهم ملاقات کرده و وضع را بررسی نماییم.

چون گالبرایت به کابل رسیده بود و درین حالات وظیفه خاص او مسئله انتخابات بود، من برای یک هفته رخصت گرفته و به اروپا رفتم. وقتیکه من در اروپا بودم، گالبرایت ملاقات را با کمیسیون مستقل انتخابات، مسئولان ارشد امنیتی و سفرای کشورهای کلیدی براه انداخته بود. او در این ملاقات فشار آورده بود که مراکز انتخاباتی باید تقلیل یابند و همه به ۵۸۰۰ مرکز

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

توافق نمایند. او اظهار نموده بود که ۱۲۰۰ مرکز باقیمانده به اساس فقدان امنیت باز شده نمیتوانند و خالی خواهند ماند و اگر ما این مراکز را باز نمائیم، راه برای تخلف و بی نظمی باز خواهد شد. به نظر وی این تصمیم باید فوری گرفته می شد. این نظر او برای نمایندگی دفتر ملل متحد در افغانستان یک تصمیم بزرگ سیاسی بود. اما گالبرایت هیچ وقت این را قبل از رفتن من به اروپا با من بحث نکرده و هم وقتی در اروپا بودم، مرا در جریان نگذاشته بود. اما بالای مقامات ارشد افغان فشار زیاد آورده بود که تصمیم او را فوراً بپذیرند. طرف افغان از این اصرار او مبنی بر قبولی فوری ناراحت بودند.

واضحاً با تقلیل مراکز انتخاباتی اکثریت مردم از رأی دادن محروم می شدند. اکثریت این رأی دهندگان در مناطق جنوبی و شرقی که اکثریت بزرگ پشتون را تشکیل میدهند، مسکون بوده و ممکن که همه آنها به کرزی رأی خواهند داد. اگر نظر گالبرایت عملی میگردید، شاید حدود یک ملیون و حتی بیشتر از رأی دادن محروم میشدند و این عمل به بسیار سادگی باعث شورش ها و حتی قیام های مسلحانه میگردید که علایم آن در جامعه نمایان بود. علاوتاً اینکار راه ناکامی کرزی را آماده میکرد و وضع را به نفع کاندیدهای دیگر بالخصوص رقیب او داکتر عبدالله تغییر میداد. از این ۷۰۰۰ مرکز معلوم نبود که چه تعداد آن باز نخواهند شد. آیساف سعی میکرد بعضی از آن نواحی را برای انتخابات مصنوعن سازد. همچنان برای مراجع افغان این هم مهم بود که بتوانند برای اکثریت هموطنان خود شرایط رأی دادن را تا اندازه توان آماده سازند.

وقتی من از اروپا برگشتم، آقای وردک، وزیر دفاع که معمولاً شخص آرام بود، به من گفت که دیگر به ملاقات و مجالسی که گالبرایت رئیس مجلس باشد، نخواهند رفت. او و دیگر حاضرین مجلس احساس حقارت نموده بودند که اولاً گالبرایت چنین یک موضوع را پیشنهاد کرده بود و دوم آنها را به قبولی فوری آن مجبور می ساخت، بدون اینکه روی آن قبلاً مشوره شده باشد. رئیس جمهور همچنان از دیدن گالبرایت امتناع ورزید، با وجود اینکه گالبرایت چندین مرتبه کوشش کرد از او دیدن نماید. البته، نظریات و رفتار گالبرایت در بین گروپ مخالفان سیاسی (اپوزسیون) بزودی اثر کرد و آنها گالبرایت را به حیث یک دوست جدید می شناختند. گالبرایت برای چنین نشان میداد که دیگر افراد بین المللی با او همنظر بودند و همه تقریباً توانسته بودیم که افغانها را به موافقه برسانیم. اما به مجردیکه من دوباره به کابل آمدم، همه یکی بعد دیگر از من دیدن کردند و نارضایتی خویش را از گالبرایت و رفتار تحقیر آمیز وی ابراز داشتند.

در آخر جولای عین گروپ از همین اشخاص - وزرا، کارکنان انتخابات و سفرا در قصرنمبر 7 جمع شدند. گالبرایت برای سه هفته رخصتی رفت و تا ده روز قبل از انتخابات برنخواهد گشت. وزرای افغان حالا میگفتند که میتوانند در حدود ۶۴۰۰ مرکز انتخاباتی را باز نمایند و در این تلاش اند که مراکز باقیمانده را هم برای انتخابات باز کنند. ازین به بعد ما هفته چندین مرتبه در قصرنمبر 7، وزارت دفاع و یا در قصر ریاست جمهوری ملاقات مینمودیم. کوشش در آن بود که از طریق سه راه بتوانیم مراکز انتخاباتی را باز نمائیم: یکی اینکه آیساف و اردوی ملی در مناطق که امنیت نبود، از طریق عملیات تأمین امنیت نمایند؛ دوم اینکه در بعضی مناطق با بزرگان قوم صحبت صورت میگرفت تا امنیت خود و قریه خود را خودشان در دست گیرند تا مراکز انتخاباتی باز شوند؛ سوم از طریق دادن پول به طالبان از آنها خواسته شود که از منطقه فعلاً بیرون روند تا انتخابات صورت گیرد. ما همه به تشویق بودیم. مواد انتخاباتی و کارکنان باید به این مناطق قبل از انتخابات میرسیدند و قبل از آن باید امنیت در آنجا تأمین میگردید. کاندید ها باید از امنیت در آنجا مطمئن می بودند تا کمپاین خود را در آن مناطق آغاز میکردند و نمایندگان خود را برای نظارت به آنجا اعزام می داشتند. مهمتر از همه اینکه رأی دهندگان باید می فهمیدند که در کجا رأی میدهند.

من شخصاً به این باور نبودم که خرید طالبان و یا بکار انداختن بزرگان قریه کاری را آسان سازد. نه رأی دهندگان ونه کارکنان انتخاباتی این جرأت را میکردند که به همچو جاهای آسیب پذیر برای انتخابات بروند. مسئولان امنیتی بسیار خوشبینانه در زمینه ابراز نظر میکردند.

بتاریخ ۲ اگست ما با کرزی در قصر ریاست جمهوری دیدار کردیم. وزرا و رئیس امنیت ملی همه میگفتند که پیشرفت در زمینه صورت گرفته و کارها خوب پیش میروند. آنها به یقین میگفتند که میتوانند در حدود ۶۵۰۰ مرکز انتخاباتی و حتی بیشتر از آنرا باز نمایند. از ۴۰۰ مرکز باقیمانده شاید نصف آن نیز باز خواهند شد، اگرچه بعضی از این مراکز نه در جاهای معینه، بلکه در قصبات اطراف آن باید نقل داده می شدند و یا در بعضی جاها باید دو مرکز با هم یکجا میگردیدند. من به این همه حرفها صرف گوش میدادم، اما باور نمیکردم. به انتخابات دو هفته مانده بود و ما تا به حال لست مراکز انتخاباتی را نداشتیم. به ما

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

گفتند که آخرین لست این مراکز به تاریخ ۱۶ اگست آماده میشود، صرف چهار روز قبل از انتخابات. مشکل لوژیستیکی به کلی غیر قابل حل به نظر میرسید. کمیسیون مستقل انتخابات و ملل متحد صرف دو روز خواهند داشت که کارکنان انتخابات و مواد مورد ضرورت را به این مراکز برسانند. غیر قابل باور بود که این همه ضروریات در این مدت کم به این مراکز دور افتاده و نامعلوم برسند.

رئیس جمهور در آخر میز نشسته بود و من پهلوی او قرار داشتم. من از او خواهش کردم که بعد از مجلس به من اجازه دهد تا با او ملاقات نمایم. وقتی ما به دفترش داخل شدیم، من تشویب خود را به او گفتم و اظهار کردم که این همه به کلی از حقیقت دور استند. کرسی به من نگاه کرد و تبسم کرد. او این قسمت های کشور را بهتر میدانست، بهتر از همه کسانی که دور میز نشسته بودند. من از خود می پرسیدم که چه خواهد شد؟ آیا وزرا خودشان به راپورهای خود اعتبار دارند؟ آنها تا اندازه توان کوشش کردند که مراکز دیگر را برای انتخابات در مناطق ناامن باز نمایند، اما این کار از واقعیت دور بود. وزرا کار خود را در قسمت پلانگذاری و امنیت بسیار ناوقت شروع کردند و رئیس جمهور هم غافل گیر شده بود. و حالا آنها راپورهای را ارائه میکردند که از واقعیت دور بودند و رئیس جمهور نیز می فهمید.

تنها افغانها در پلانگذاری خود پسمان نبودند. دفتر کمکهای ملل متحد (یونیم) که مسئول آماده ساختن تمام مواد انتخاباتی برای کمیسیون مستقل انتخابات بود، هم آمادگی کافی نداشت. ما چندین مرتبه دفتر انکشافی ملل متحد را در کابل و نیویارک از ناوقت شدن این پروسه خبر دادیم، اما تأثیر نداشت. در آخر من زنگ خطر را بلند تر بصدا آوردم و گزارش خصوصی به بانکی مون و یک کاپی به رئیس نو دفتر انکشافی ملل متحد هلن کلارک، که صدراعظم اسبق نیوزیلند بود، فرستادم. من وضعیتی را که در آن قرار داشتیم، برایشان واضحاً شرح دادم. در صورت عادی این چنین گزارشها تنها به شعبات مختلف ملل متحد میروند و آنها آنرا به رؤسای خود پیشنهاد مینمایند. با آنکه فرستادن این چنین گزارش رسماً به سرمنشی ملل متحد یک قدم غیر عادی بود، اما وضعی که ما داشتیم مرا مجبور به این اقدام غیرمعمول ساخت. البته این هم یک اتهام بزرگ خواهد بود که همه بار این مشکلات و پلانگذاری ناکام را بدوش ملل متحد می گذاشتند و افغانها حتماً به زودترین فرصت دست خود را از مسئولیت آن بیرون می کشیدند. ما یک تغییر واقعی ضرورت داشتیم و تقریباً در آن موفق شدیم. اما ارتباطات من با دفتر انکشافی ملل متحد و رؤسای آن خراب شد. باز هم بانکی مون در این راه مرا کمک کرد. او می فهمید که اگر در چنین وضع دشوار نمی بودم، هیچگاه چنین گزارش را نمی فرستادم.

با گذشت هر ساعت مشکل وقت محسوس تر میگردد. آیساف هم قوای خود را از یکجا به جای دیگر نقل مکان میداد تا در آمادگی برای انتخابات همکار باشد. صحبت ها با بزرگان قوم و طالبان ادامه داشت. مواد ضروری انتخابات در جاهای نزدیک به مراکز انتخاباتی جابجا گردید. وزرا یک روز دیگر هم وقت خواستند، اما ضمانت دادند که به تاریخ ۱۷ اگست، یعنی سه روز قبل از انتخابات لست های مراکز انتخاباتی را آماده خواهند ساخت. من شخصاً طرفدار آن بودم که هر قدر مراکز انتخاباتی را زیادتیر باز نمایند به منفعت رأی دهندگان خواهد بود. اما باز هم داشتن مراکز بیشتر بیفایده بود، زیرا رأی دهندگان موقعیت آنرا نمی فهمیدند و اطلاع به رأی دهندگان در این وقت کم خصوصاً در افغانستان کار ساده نبود.

در اخیر در حدود ۶۲۰۰ مرکز انتخاباتی باز گردیدند. ما همه البته درین حدود توقع داشتیم، و این تقریباً به اندازه انتخابات گذشته بود. مشکل اساسی این مرتبه در آغاز دیرتر کار امنیتی بود، و همچنان باز نمودن مراکز جدید وقت زیاد را در بر گرفت و نیز قوای امنیتی افغانستان توان برداشت این کار را نداشت.

وقتی ما مصروف آمادگی عملی بودیم، مبارزات انتخاباتی شدت گرفت. تیم مبارزاتی دکتر عبدالله بسیار منظم و موفق بود. پیشنهادات اصلی او این بود که سیستم ریاستی فعلی را تغییر داده و یک سیستم پارلمانی را در عوض جابجا سازد و همچنان یک نظام غیرمتمرکز را در ولایات پیشنهاد میکرد. کرسی یک پروگرام پنج فقره ای برای امنیت و انکشاف اقتصادی را ارائه میکرد، اما مبارزات انتخاباتی او چندان پر انرژی نبود. اشرف غنی پلان بسیار مترقی برای پیشرفت افغانستان داشت، البته ما همه از او چنین توقع میکردیم، اما برنامه او بیشتر مورد توجه رسانه های غربی بود تا رسانه های افغانی. تعجب آور رمضان بشردوست بود، که خود هزاره و وزیر اسبق وزارت پلان بود. او برای خود یک خیمه در کنار یکی از جاده های عمومی زده و شعار مبارزاتی او تأکید بر محو فساد اداری در جامعه بود و مردم او را به حیث یک شخص پاک و متقی می شناختند، مخاطب او آن طبقه مردم بود که از فساد اداری به ستوه آمده بودند.

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

مجالس بزرگ در نقاط مختلف کشور براه انداخته میشدند. در مجالس کرزی و عبدالله هزارها نفر کسانی اشتراک میکردند که قبلاً کسی آنها را نمی شناخت. مناظره های تلویزیونی و رادیویی جریان داشت. گفته میشد که مناظره اخیر بین کرزی، غنی، و بشردوست را در حدود شش تا هفت میلیون افغان تماشا کرده بودند. برای اولین مرتبه افغانها دیدند که از کاندیدان ریاست جمهوری در باره مشکلات روزمره پرسیده می شد. علاقمندی طبقه جوان افغان بسیار زیاد بود. تعداد سهمگیری زنان در شوراهای ولایتی تا چند روز قبل از نامزدی بسیار کم بود. اما شبکه زنان افغان در سراسر کشور شروع به کار کرد. چنانکه بعداً دیده شد، نامزدان انانث نسبت به انتخابات اول برای شورا های ولایتی در سال ۲۰۰۵ زیادتر بودند.

در جریان مبارزات انتخاباتی دیده میشد که هریک از استفاده سوء از مقامهای دولتی شکایت داشتند. گروه مخالفان (اپوزسیون) رئیس جمهور را متهم به استفاده از پولیس، امنیت ملی و دوائر دولتی برای استفاده شخصی در انتخابات میکردند. مقرری ها در پولیس بالخصوص آنوقت یک موضوع تشدد انگیز گردید که عبدالله به صراحت اتمر وزیر داخله را متهم ساخت که بعضی از مقرری ها را برای آن نموده تا هواداران کرزی را در مقام های جدید جا دهد. البته اتمر وظیفه اش بود که بعضی از افسران پولیس را به منظور آوردن اصلاحات تغییر و تبدیل نماید، اما این پروسه در جریان انتخابات کار درست نبود. من از اتمر خواهش کردم که حالا این مقرری های افسران را تا اخیر انتخابات به تعویق اندازد. او فوراً خواهش مرا قبول نموده و تقرر افسران پولیس را به تعویق انداخت.

البته درین جریان شاید بودند افسران پولیس، کارکنان امنیت ملی و دیگر اشخاص در ولایات و محلات دیگر که مردم را تهدید نموده باشند تا به یک کاندید یا دیگری رأی دهند. اکثریت طرفدارن کرزی کسانی بودند که میخواستند امتیازات و یا مقامهای خود را برای چند سال دیگر نیز حفظ نمایند. عبدالله هم هواداران خود را در دوائر دولتی داشت. والی ولایت بلخ عطا محمد نور با اوعلنی همکاری نمود، با آنکه کار وی مخالف قوانین انتخابات بود. وزیر وزارت اطلاعات و فرهنگ کریم خرم، در عین زمان رادیو و تلویزیون را بیشتر به کمپاین رئیس جمهور کرزی نسبت به دیگر کاندیدان اختصاص داده بود. اما رویهمرفته انقلاب رسانه ها در افغانستان بسیار جدید بود و مردم از تماشای همه مسایل هیجانی بودند.

در روزهای اخیر قبل از انتخابات، طالبان مبارزه خود را شدت بخشیدند و به مردم گفته میشد که انتخابات را تحریم کنند و کسانیکه در انگشت شان رنگ رأی دادن دیده شود، انگشت او را قطع خواهند کرد. به تاریخ ۱۵ اگست در اثر انفجار یک عراده موتر نزدیک دفتر آیساف در کابل هفت تن جان خود را از دست دادند و زیاد تر از آن جراحت برداشتند. سه روز بعد یک عراده موتر دیگر حامل مواد انفلاقیه در مقابل کاروان قوای ایٹالوی قرار گرفت که باعث مرگ دو نفر ملکی افغان کارمند ملل متحد گردید. به این ترتیب وضع امنیت روز بروز خراب تر شده میرفت. (پایان فصل)

(ادامه دارد)

---

د پانو شمیره: له 5 تر5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلینکي د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکي په خیر و لولئ